

فراسوی دیدن

سلام محمدی

www.ketab.ir



بنیان اندیشه شرق میانه

سرشناسه	محمدي، سلام، ۱۳۵۹-
عنوان و نام پدیدآور	فراسوی دیدن/ سلام محمدی
مشخصات نشر	تهران: بنیان اندیشی شرق میانه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۱ ج: مصور، ۲۴/۹۹×۱۷/۶ س.م ۲۰۸ ص
قیمت جلد	۱۳۰۰۰۰ تومان
شابک جلد	ISBN: 978-600-97791-5-4
وضعیت فهرست نویسی	فیا:
موضوع	نقد هنری
موضوع	Art criticism
موضوع	نقاشی ایرانی - زمینه و موضوع
موضوع	Painting, Iranian - Themes, motives
رده بندی کنگره	NV۴۷۵:
رده بندی دیویی	۷۰۱/۱۸:
شماره کتابشناسی ملی	۶۱۱۳۳۰۰

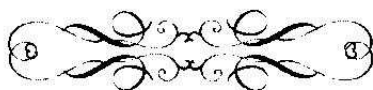
«فراسوی دیدن»

مؤلف : سلام محمدی
 ناشر : بنیان اندیشی شرق میانه
 سال چاپ : اول، ۱۳۹۹
 شابک : ۱۳۰۰۰
 تعداد صفحات : ۲۰۸ / ۱۷۹
 چاپ و صحافی : ایران
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۷۹۱-۵-۵
 قیمت : ۱۳۰۰۰ تومان
 انتشارات: بنیان اندیشی شرق میانه

آدرس دفتر انتشارات: تهران، چهارراه شریعتی، مجتمع پلاسما، طبقه سوم، واحد ششم

BonyanAndishi.ir

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»



فهرست

(۷).....	سخن استاد
(۹).....	پیش گفتار
(۱۳).....	مقدمه
(۲۳).....	انسان و هنر
(۲۵).....	• آفریقا
(۲۵).....	• اقیانوسیه
(۲۵).....	• بابل
(۲۶).....	• استرالیا
(۲۶).....	• امریکای مرکزی و جنوبی
(۲۶).....	• است
(۲۶).....	• هند
(۲۷).....	• چین
(۲۷).....	• ژاپن
(۲۸).....	• یونان
(۲۹).....	• روم
(۲۹).....	• اتریش
(۶۶).....	نقاشی ایرانی
(۱۲۴).....	طرد طبیعت
(۱۳۵).....	کارتون
(۱۳۷).....	• صدام
(۱۴۵).....	• خلیج فارس
(۱۵۵).....	هنر معاصر
(۱۶۳).....	عکاسی
(۱۷۷).....	قالی
(۲۰۱).....	نتیجه گیری
(۲۰۶).....	کتاب شناسی

با شیفتگی، نوشته‌های آقای سلام محمدی را خواندم که ترسیم صورتک‌های هر مجرم صاحب مقامی، با هر شیوه و شرحی، کم‌ترین آسیبی به تمدید مدت حق‌کشی‌ها نمی‌رساند. این که صاحب سبک و مکتبی در ترسیم نقاشی و کاریکاتور، بر سلامت و ضرورت کار خود علامت سؤال می‌گذارد، بی‌مجامله برداشتن گامی در نواندیشی شجاعانه مورد نیاز زمانه و رجحان دیگری بر دخالت، عقلاً، سلیم در یکی از عادت‌های نوپدید، ولی بو گرفته انسان، به نام هنر است.

سعی بلیغ ایشان در قرار دادن نقود «هنر» در جای لازم خود، که معنایی جز نفی ارزش تمدنی هنر ندارد، ستودنی است.

در ظاهر، کسانی در این دنیای مسو از «هائس» و آدم‌کشی و غارت، مشغول بزک گوشه‌ای از کپک زدگی‌های جهان‌اند که در عرف سرگ دانان «هنرمند» خطاب می‌شوند. آمیزه‌ای که تعریف معین و حیات ثابتی ندارد و با ذهن عدالت طلب و پر شده از کینه آدمیانی منطبق نیست که بی‌اعتنا به نقش و رنگ و جنس ملحفه، در انتظار ظهور طبعی برای بازگرداندن سلامت به پیکر آسیب دیده خود هستند. در این اوضاع غیر قابل توصیف، هنرمند تا بالاترین پله تحقیق عمومی بالا می‌جهد تا بنده دهد که چشم از زخم‌های پیکر مدن ردا بردارد و پرنده‌ای را نگاه کنید که در آن تابلوی بر دیوار، سال‌هاست می‌خواهد نغمه‌ای بسراید و نتواند. حالا هنرمند زیباسازی چهره‌هایی را سفارش می‌گیرد که همانند رنگ‌های ماسید به بهره چروک و بی‌حال بیوه زن زندگانی، انتظار مثبت آبی برای ظهور دوباره خطوط خشم در حوالی چشمان خود را دارد. هنر هم هیا هوئی است همانند رساندن تویی به درون دروازه‌ای، که کسانی را برای ابراز جنون جمعی آماده می‌کند.

برای زنی در روستایی بافتن زری یا سبد و دوختن مليله و بافتن قالیچه با دوشیدن گاو و پختن نان در معنا تفاوتی ندارد، و نام هیچ فرآورده خود را «هنر» نمی‌گذارد.

آن تکه پارچه مليله دوزی شده در دست به دست شدن دلالان، عنوان «هنر» می‌گیرد و تبدیل به یک کاسی سودآور می‌شود.

پس هنر مقوله واحدی است که در منظر کسانی ارجمند است که از آن نان می‌خورند و جای دیگر ناشناس است که می‌خواسته جایی برای خواب فرزندش تدارک کند. هنر یک گمانه بی‌هویت است.

برای مجازات هنر، همین بس که خداوند در تنها مرجع دعوت به عقلانیت، یعنی قرآن کبیر، نام بردن و ارزش گذاری بر آن را نادیده گرفته است.

ناصر پورپیرار (محقق، مورخ، منتقد و...)

www.ketab.ir